آموزش تحلیل سیاسی/ علت اصلی دشمنی آمریکا با ایران

سال گذشته، اندیشکده‌ی آمریکایی بروکینگز، طرحی برای چگونگی مقابله‌ی دولت ترامپ با نفوذ منطقه‌ای ایران ارائه داد که در بخشی از آن چنین آمده بود: "هیچ حکومتی طی دوران معاصر به اندازه‌ی ایران نتوانسته به ما در خاورمیانه ضربه بزند... هم اوباما و هم ترامپ در پی شکاندن شاخ ایران در عراق و سوریه هستند. اکنون، ایران از خلاء امنیتی منطقه نهایت بهره را می‌برد... ائتلاف سعودی نیز اکنون در مرداب گیر کرده است؛ و این وضعیت، کاملا به نفع ایران است...".





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 111/ دوشنبه 16 مهر ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**بن‌سلمان هزینه کدام را می‌دهد سازش یا مقاومت؟!**

****

«تحقیر کردن» جزو ذات متکبر و مستکبر است. عربستان فقط در یک قلم قرارداد، چیزی نزدیک به 500 میلیارد دلار به خزانه آمریکا واریز کرد(یا در حال واریز کردن است.) حدود100 میلیارد از این رقم فوق‌نجومی، قرار داد تسلیحاتی است، بقیه تجاری. قرار هم نیست که عربستان به آمریکا سلاح و کالا بفروشد! 100 میلیارد دلار قرارداد نظامی، رقمی است که تاریخ به خود ندیده است..عربستان به نتانیاهو و ترامپ کمک‌های زیادی کرد تا پایتخت آمریکا از تل‌آویو به قدس منتقل شود. با اینکه 90 درصد درآمد ارزی‌اش به نفت متکی است، بارها با افزایش تولید نفت به کاهش قیمت آن به نفع آمریکا و غرب و به زیان مردم خود اقدام کرد. بدون حمایت‌های سعودی شاید آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی‌توانستند بسیاری از توطئه‌ها را علیه مقاومت، فلسطین و ایران تدارک ببینند ولیعهد سعودی کم به آمریکا و صهیونیست‌ها خدمت نکرده است. بسیاری از این هزینه‌ها شاید هرگز قابل جبران نباشند. بن سلمان به نوشته بسیاری از رسانه‌ای آمریکایی و انگلیسی، با این خدمات حتی، عربستان را به لبه پرتگاه برده و کشورش را دچار بحران‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی پیچیده‌ای کرده است. تحقیر پی‌در‌پی ملک سلمان و بن‌سلمان از سوی آمریکا، در چنین فضایی صورت مخاطب این وجیزه دوستان ساده‌لوح و برخی از خائنان وطنی هستند که سال‌هاست می‌گویند، اگر اقتصاد ما مشکل دارد، نتیجه مرگ بر آمریکا گفتن و نزدیک نشدن به این کشور متکبر زورگوست، مشکلات به‌خاطر این است که ما نرمال نیستیم! FATF و ملحقاتش را نمی‌پذیریم!جدیت توام با وحشت کره جنوبی و ژاپن در ماجرای مذاکرات دو کره را ببینید! آیا بدون حمایت‌های سیاسی و نظامی آمریکا، این دو کشور صنعتی می‌توانند در برابر دشمن‌شان (اینجا کره شمالی) دوام

بیاورند؟پاسخ روشن است. بن‌سلمان اگر امروز مرتب تحقیر می‌شود و نمی‌تواند با 100 میلیارد دلار سلاح حتی 4 روز در برابر ایران دوام بیاورد، به‌دلیل نزدیکی به آمریکا و سازش با اسرائیل است و ایران اگر 40 سال است توانسته جلوی آمریکا و تمام متحدانش دوام بیاورد به دلیل مقاومت در برابر آمریکا و دوری از این کشور است. برای حل مشترک مشکلات ایران و عراق استفاده کنیم. این نیاز به اصلاحاتی در قوانین و روندهای اداری جمهوری اسلامی و توجه ویژه به درگیر کردن بخش خصوصی ایران دارد.

**هر که ناموخت از گذشت روزگار...**

****

بعد از ماه‌ها کش و قوس، دیروز مجلس به نحوه تعامل با گروه ویژه اقدام مالی رأی داد؛ این مصوبه به‌مانند آنچه در برجام و موارد مشابه دیگر اتفاق افتاده، نه برای جمهوری اسلامی آخر دنیاست و نه مشکل‌گشا. اساساً از صدر مشروطه تاکنون ایران تقریباً توافق‌نامه بین‌المللی را با یهود و نصارا امضا نکرده که برای کشور نفعی داشته باشد؛ از «دارسی» گرفته تا «گس-گلشائیان» و این سال‌های اخیر در دولت کنونی و عجیب است که از این تجربه تاریخی درس گرفته نمی‌شود. یک علت آن، برخوردهای سیاست‌بازانه طرف‌های درگیر است؛ آن‌ها معمولاً تن به کار کارشناسی نمی‌دهند و حرف منتقدان را به طاق می‌کوبند و البته که منتقدان هم گهگاه بحث را به بیراهه می‌برند، اما به هر جهت حرف‌شان را دولتی‌ها و این اواخر رییس و هیات رییسه‌مجلس نمی‌شنوند و این احساس را ایجاد می‌کنند که نمی‌خواهند بشنوند. نتیجه چیست؟ بی‌سوادهای حامی توافق کار را نازل و تصویب این معاهدات را مبدل به ابزاری برای کاهش نرخ ارز و بهبود اقتصادی سریع می‌کنند تا با یارگیری در افکار عمومی، به‌زعم خود از دامنه انتقادها بکاهند و زهی‌خیال‌باطل که این نوشداروها حتی بعد از مرگ سهراب، به بالین او نمی‌رسد و گرفتاری سفره مردم، حل نمی‌شود. این مصوبه نیز بر تجارب دیگر خواهد افزود ولی باید فکری به حال حافظه تاریخی ملت کرد تا در بزنگاه‌های انتخاباتی، دل به چنین وعده‌هایی ندهند.

**پیامد‌ها و هشدار‌های حقوقی FATF**

****

برخلاف باور عامیانه که قواعد FATF را «توصیه‌ای» و در جهت بهبود اوضاع اقتصادی کشور‌ها معنا می‌کنند، باید گفت: همه آنچه در قالب توصیه‌های FATF آمده است (که در ۴۰ ماده مبارزه با پولشویی و ۹ ماده مبارزه با تأمین مالی تروریسم قابل احصا است) «توصیه» نیست و «جنبه الزام آور» برای کشور‌ها دارد و پذیرش اکشن پلن (برنامه اقدام) از سوی دولت تعهدات گسترده حقوقی با خود به همراه داشته است. به گفته دولت هدف اصلی «خروج ایران از لیست اقدامات متقابل» است با این توجیه که عضویت در FATF موانع حقوقی –اقتصادی فراوانی داشته و همانطورکه FATF

در بیانیه «بوسان» مطرح می‌کند؛ چنانچه ایران ۴۲ بند اکشن پلن را اجرایی کرد، کشور‌های عضو در مجمع عمومی باید بر اساس «اجماع» خروج ایران از لیست متقابل (بلک لیست) را تصویب کنند. روش اجماع مبتنی بر تصمیم‌گیری بدون توسل به رأی‌گیری است و بر مبنای این اصل سازنده است که در هنگام اتخاذ و تصویب یک تصمیم، هیچ نماینده‏ای نباید رسماً نسبت به تصمیم مذکور مخالفت نماید. این بدان معناست که کشور‌هایی مانند امریکا و عربستان یا رژیم صهیونیستی با خروج ایران از لیست متقابل موافقت کنند! انتظاری که با واقعیت‌های صحنه بین‌الملل همخوانی ندارد و شبیه اوهام می‌باشد. «تعریف» تروریسم که در مفاد FATF مورد اشاره قرار می‌گیرد با تعریف ایران تناقض داشته و طبیعتاً در مصادیق نیز این تناقض قابل ردیابی است. FATF تاکنون ۴۹ توصیه‌نامه را برای شناسایی کشور‌های حامی تروریست صادر کرده است، این توصیه‌ها درون خود مفاد و قواعدی را وضع می‌کنند که در نهایت الزام‌آور است.

**قتل خاشقجی‌ اسرائیلیزه شدن رفتار سعودی**

****

خبری که دیروز در رسانه‌ها منتشر شد و به سرعت به صدر اخبار رفت به کشته شدن یک روزنامه‌نگار منتقد مربوط است. جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار ۵۹ ساله عربستانی که بعد از قدرت‌گیری محمد بن سلمان، خودخواسته، اما به ناچار به امریکا سفر کرد. او که پیش از این عمده‌ترین فعالیت رسانه‌ای خود را در روزنامه سعودی الحیات که در انگلیس، عربستان و لبنان منتشر می‌شد، دنبال می‌کرد، به دلیل نقد‌هایی که به رویکرد‌های سعودی داشت، مورد غضب قرار گرفت و ممنوع‌القلم شد. این موضوع باعث شده محمد بن سلمان در خطایی استراتژیک به اسرائیلیزه کردن رفتار عربستان پرداخته و اقداماتی بی‌پروا انجام دهد که تاکنون تنها از اسرائیل در منطقه سراغ داشتیم. محمد بن سلمان که با چراغ سبز ترامپ قدرت پدر را به دست گرفت، با کپی‌برداری رفتاری از اسرائیل دست به اقداماتی زده که خود را نیازمند هیچ پاسخی نمی‌بیند. از جمله به شهادت رساندن حجاج، حمله به خاک و مردم یمن، اقدامات غیرمسئولانه در خاک سوریه برای جلوگیری ازپاک‌سازی تروریست‌ها، محاصره قطر، تحت سیطره گرفتن بحرین و اقدام علیه اعتراضات مردمی آن و... از دیگر اقدامات سعودی طی این مدت بستن فضای داخلی و محدود‌سازی شاهزادگان است که پرسرو صدا‌ترین آن بازداشت ۳۸۰ شاهزاده سعودی و ممنوع‌الخرج کردن آن‌ها بود. بن‌سلمان با اعدام مخالفان از جمله شیخ نمر و کشتار معترضان در استان شرقی عربستان نشان داد که به پشتوانه و در پناه امنیت امریکا و اسرائیل نگران هیچ واکنشی نیست. این رویکرد پی‌پروا تا جایی اوج گرفت که سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان را با دعوت به ریاض بازداشت و خانواده‌اش را به گروگان گرفت؛ اقدامی که بعد از عبور دنیا از عصر باستانی دیده نشده است. میزان بی‌پروایی سعودی به قدری افزایش یافت که کمتر کشوری جرئت می‌کند با آن روبه‌رو شود. این مسئله را با چالشی که برای کانادا ایجاد شد می‌توان

دید. عربستان حتی با تزریق پول، کنگره امریکا را وادار به تصویب قوانین خاص و نادیده گرفتن برخی اقدامات حساس می‌کند از جمله بستن چشم خود در قبال حادثه ۱۱ سپتامبر. اگرچه سعودی‌ها در بسیاری از رسانه‌های جهان نفوذ کرده و سعی دارند از دنیای وانموده، حقیقت بسازند و آن را به جهان نشان دهند، اما طی چند سال اخیر مخالفت‌ها و مبارزات داخلی و خارجی علیه آن شکل گرفته است که گاهی اوقات گره به کار ناصواب سعودی می‌زند. از جمله قتل جمال خاشقجی که آشکارا به انتقاد رویکرد‌های سعودی در زمینه سرکوب و سانسور و اقدام علیه مردم یمن، قطر و منطقه می‌پرداخت. یکی از بدشانسی‌های محمد بن سلمان این بود که خاشقجی همسر دوم خود را از ترکیه انتخاب کرد. البته این مسئله می‌تواند یکی از خوش‌شانسی‌های منطقه باشد، زیرا اختلافات ترکیه و عربستان را بیش از گذشته نمایان می‌سازد. حال ترکیه با آشکارسازی این قتل و انتشار اطلاعات محرمانه آن می‌تواند چهره واقعی پنهان شده در لایه‌های دلاری سعودی را بیشتر به نمایش بگذارد. از طرفی این قتل می‌تواند سدی باشد بر رفتار بی‌پروای سعودی در منطقه تا برای تأمین منافع خود و همسان‌سازی رفتاری با اسرائیل دست به هر اقدامی نزند؛ مسیری که افول سعودی را نشانه می‌رود و حتی حمایت‌های امریکا و اسرائیل نمی‌تواند راهی برای متقاعدسازی افکار عمومی بیابد.

**به‌خاطر وعده سرخرمن اروپا**

****

آزاردهنده‌ترین نکته درباره تصویب کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم در مجلس و توجیهات دولت در این باره این است که با هدف اجرای قولی که به یک طرف خارجی داده شده، عمدا حرف‌های عجیب و غریب به مردم تحویل داده می‌شود.این اکنون مساله‌ای پنهان نیست و محمدجواد ظریف هم آن را تایید کرد که راز اصلی اصرار دولت بر کامل شدن برنامه اقدام FATF، فشار اروپاست مبنی بر اینکه اگر اجرای استانداردهای FATF در ایران کامل نشود، توافق نصفه و نیمه فعلی با اروپا درباره ایجاد یک مکانیسم تعامل اقتصادی با ایران اجرا نخواهد شد. در واقع دولت چشم بر همه ریسک‌های امنیتی و اقتصادی FATF بسته و فقط برای از دست ندادن توافقی که با اروپا کرده- و هیچ کس لااقل در داخل نمی‌داند چیست و بناست چه معجزه‌ای کند- شتابان به دنبال تکمیل برنامه اقدام در ایران است.طبیعتا ساده‌ترین سوالی که دولت باید در اینجا به آن پاسخ دهد این است: آیا چیزی که به دست می‌آورد، ارزش هزینه‌ای که می‌پردازد را دارد یا نه.در اینکه اجرای کامل برنامه اقدام FATF در ایران ریسک‌های امنیت ملی بسیار هنگفتی دارد، حتی مدافعان آن چندان تشکیک نکرده‌اند. ایران اکنون بیرون بیانیه عمومی یا به تعبیر عامیانه لیست سیاه FATF نیست اما اقدامات محدود‌کننده ضد آن تعلیق شده است. تا جایی که به FATF مربوط است، سفیدترین حالتی که ایران اساسا می‌تواند در آن قرار داشته باشد همین است. بدترین حالت این است که ایران مجددا به بیانیه عمومی بازگردد. برای این کار همه 35 عضو شورای عمومی FATF باید اجماعا به بازگشت ایران به لیست سیاه رای بدهند و تنها اگر یک عضو با این کار

مخالفت کند، ایران این ریسک را پشت سر خواهد گذاشت. این کار ساده‌ای است که وزارت امور خارجه باید می‌کرد ولی راه سخت تصویب CFT را برگزید.و در نهایت اینکه همه اینها به ما نشان می‌دهد دولت اصرار دارد چیزی از تجربه سال‌های گذشته نیاموزد، برجام را نگاهی بشدت ایدئولوژیک و توأم با شیفتگی تحلیل کند، امتیازهای بزرگ بدهد و در انتظار وعده‌های نسیه بماند و آرزوهای توهم‌آلودی نظیر ایجاد شکاف علیه اروپا و آمریکا چنان عمیق شود که ایران بتواند از دل آن مشکلات خود را حل کند. این ذهنیت‌ها خطراتی عمیق‌تر و بزرگ‌تر از FATF یا چیزهایی شبیه آن است.

